



رویارویی سنت و مدرنیته در ایران معاصر

گفت‌وگوهایی درباره‌ی سینما، تئاتر، عکاسی، نقاشی، معماری، کتاب و مطبوعات، ادبیات، آموزش و پرورش، شهرسازی و...

عنوان کتاب: ایران و مدرنیته: گفت‌وگوهایی با پژوهشگران ایرانی و خارجی در زمینه رویارویی ایران با دستاوردهای جهان مدرن.

گفت‌وگو کننده: رامین جهانگللو

مترجم: حسین سامعی

تهران؛ ۱۳۸۷

ناشر: نشر قطره، ۲۵۶ص

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

مجتبی تبریزیا/کارشناس ارشد تاریخ، پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی



این کتاب پیش از این در سال ۱۳۷۹ نیز از سوی نشر گفتار به چاپ رسیده و در چند نشریه نیز معرفی و نقد و بررسی شده است؛ اما انتشار مجدد آن، جذابیت و اهمیت موضوع، بدیع و زنده بودن مباحث آن انگیزه‌ای شد تا نگاهی به آن افکنده شود.

کشاکش «سنت» و «مدرنیته» در تاریخ معاصر ایران موضوع انبوهی از کتاب‌ها، مقاله‌ها، مباحثات و مجادلات اندیشمندان تمام حوزه‌های فکری و علمی و هنری بوده و هنوز هم هست.



احساس می‌شد از مردان حکومت مطلقه به مردان انقلابی و آزادی‌خواه منتقل گشت. هسته‌های نارضایی و شورشی که حکومت کهنه و زنگ زده‌ی قاجار را تکان داده بود، بالاخره به نهضت مشروطه مبدل شد و نمو یافت. و ایران به چنان مطبوعات جدید و ملی رسید که اغلب توسط روشنفکران مترقی و انقلابی اداره می‌شد. این مطبوعات نو به حکومت قاجار حمله و از وضع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ایران انتقاد کرد. هرچه مطبوعات بیشتر جرأت نشان داد و رهبری تحولات اجتماعی را به دست گرفت، حکمرانان قاجار و دولتی‌ها بیشتر عقب‌نشینی کردند و بالاخره با آغاز قرن بیستم، جنگ و جدال مطبوعات و حکومت مستبد قاجار تا حدودی آرامش پیدا کرد و روزنامه‌نگاران به پیروزی رسیدند و در ایران نظام پارلمانی پدید آمد و آزادی مطبوعات در شمار آزادی‌های اساسی، مسجل گردید.

قرن نوزدهم عصر رقابت در ساختن خطوط راه آهن بود و این رقابت در ایران نیز جریان یافت. روس‌ها برای اولین بار سعی کردند امتیاز ساختمان راه آهن بین جلفا و تبریز را از ناصرالدین شاه بگیرند. چند سال بعد (۱۸۷۵ میلادی) یک اتریشی به نام «ویلهم پروسل» نقشه‌ی خود را برای ساختمان خط آهن بین تفریس و بندرعباس از طریق تهران اعلام کرد. بعدها فرانسوی‌ها وارد این رقابت شدند. بنگاه بانکی آلئون امتیاز ساختمان راه بین بندر انزلی (پهلوی) و تهران را از شاه کسب کرد و همزمان، مهندس فرانسوی به نام «فابیوس بوتیال» امتیاز ادامه‌ی ساختمان این راه ناکشیده را تا خلیج فارس و بندر بوشهر به دست آورد. رقابت اقتصادی و سیاسی دول اروپایی در ایران همچنان ادامه یافت. در سال ۱۸۷۹ ناصرالدین شاه تصمیم گرفت یک گروه نظامی شبیه قزاق‌های روسیه در ایران ایجاد کند و بدین ترتیب پایه‌ی قزاقخانه ایران در شهرهای مختلف نهاده شد. در سال ۱۸۸۸ یکی از اتباع تزار

خرج و دخل خزانه‌ی حکومتی و دربار خود را هماهنگ می‌ساختند. این جریان تازه ایجاب می‌کرد که ناصرالدین شاه و اطرافیانش تبلیغات خود را در کشور توسعه دهند. امور مطبوعاتی و تبلیغاتی که تا این زمان زیر نظر وزارت علوم بود، توانایی این کار را نداشت. روزنامه‌های دولتی که سال‌ها در تهران و شهرستان‌ها منتشر می‌شد، اعتبار نخستین خود را از دست داد و بین کارمندان و روشنفکران کشور خواننده‌ی پیدا نمی‌کرد. برای رفع این نقص در سال ۱۸۷۱ میلادی امور مطبوعات و تبلیغات دولتی از وزارت علوم به وزارت جدید مطبوعات که تحت نظر محمدحسن خان صنیع-الدوله تأسیس شد، انتقال یافت.

موقعی که محمدحسن خان به وزارت مطبوعات منصوب گردید، اولین اقدام وی این بود که از انتشار سه روزنامه‌ی ماهانه‌ی دولتی که مدت‌ها به طور نامرتب منتشر شده بود و خواننده‌ی زیادی نداشت، متوقف ساخت و جای آن‌ها یک روزنامه‌ی سه روز در هفته به نام «ایران» تأسیس کرد. این روزنامه که اولین شماره‌ی آن در سال ۱۸۷۱ میلادی در چهار صفحه منتشر شد، به صورت ارگان رسمی حکومت اخبار دولتی و خارجی را بین مردم می‌برد. مندرجات روزنامه اغلب تقدیر و تجلیل از شاه و درباریان بود و صفحه‌ی اول آن اغلب به شکار شاه و مراسم سلطنتی و امثال آن اختصاص داشت و اخبار دولتی در ستون‌های مخصوص وزارتخانه چاپ می‌شد.

از تغییرات دیگر در زمینه‌ی تکامل روزنامه‌نگاری در ایران که در روزنامه‌ی تازه می‌توان دید، اخبار مربوط به حوادث و اتفاقات شهری و محلی و افزایش ملاحظه‌ی خبرهای تلگرافی و خارجی است.

با همه‌ی رسمیت و مشکلاتی که در روزنامه‌نگاری این عصر وجود داشت، روزنامه‌ی «ایران» نشریه‌ی نسبتاً مهم این دوره به شمار می‌رود. صنیع‌الدوله روزنامه را به یک نشریه‌ی ادبی و تاریخی مبدل کرد و از این طریق آثار نویسندگان قدیم و جدید را بین طبقات مختلف روزنامه‌خوان برد. این اقدام بسیار مهم بود برای این که کتب علمی و ادبی در آن زمان بسیار گران بود و پخش آن‌ها بین طبقات مختلف به سهولت امکان نداشت. یکی از اقدامات اعتمادالسلطنه، تأسیس اداره‌ی سانسور به سال ۱۸۷۰ در وزارت مطبوعات بود. این اداره به پیشنهاد وزیر به دستور ناصرالدین شاه تأسیس شد. در دورانی که انتقاد از حکومت ناصرالدین شاه در خارج و داخل کشور ریشه پیدا می‌کرد، هدف اصلی اداره‌ی جدید جلوگیری از انتشار و پخش جزوه‌ها و روزنامه‌های مخفی آزادی‌خواهان بود که کم‌کم در ایران رواج می‌یافت.^(۵)

روزنامه‌نگاری و هسته‌های انقلاب مشروطه:

در آخرین ربع قرن نوزدهم روزنامه به عنوان یک وسیله‌ی ارتباط جمعی، با تغییرات اجتماعی و تحولاتی که در ایران به وجود می‌آمد، همراه شد و برای اولین بار قدرت روزنامه‌نگاری دست به دست گردید و به مردان جدید انتقال پیدا کرد. حربه‌ی مطبوعات و قدرتی که در آن

ویژگی‌های کتاب:

نخستین ویژگی کتاب، موضوع آن است. مدرنیسم و پست‌مدرنیسم (که از آن با تعبیر تجدد و فراتجدد نیز نام برده می‌شود) بخشی از زندگی ماست. بسیاری از پدیده‌های پیرامون زندگی امروز ما را مظاهر مدرنیسم فرا گرفته است. چنان حضور پررنگی دارد که بخش مهمی از دغدغه‌های فکری اندیشمندان و محققان حوزه علوم انسانی را به خود اختصاص می‌دهد. چنین عنصر پررنگی در حیات واقعی انسان‌ها حتماً جذابیت و تازگی دارد.

از ویژگی‌های دیگر کتاب این که اگرچه در ظاهر یک کتاب است اما محتوا و ساختار آن به گونه‌ای است که می‌توان گفت در حقیقت از چندین کتاب تشکیل شده است، زیرا گفت‌وگوهایی است با ۱۶ اندیشمند. بنابراین درحقیقت ۱۶ کتاب کوچک است.

دیگر این که اگرچه موضوع اصلی کتاب، سنت و مدرنیته است اما این موضوع خود چنان بسیط و پر دامنه است که در درون آن صدها موضوع کوچکتر با صورت‌های گوناگون قابل طرح است. از این نظر نیز در حقیقت این کتاب درباره‌ی ۱۶ موضوع جداگانه و دربرگیرنده‌ی ۱۶ عرصه‌ی جدال سنت و مدرنیسم است و از این نظر شامل ۱۶ مبحث در ارتباط با مدرنیسم است.

ویژگی دیگر این که چون بیشتر گفتگوشوندگان، متخصصان موضوع مورد بحث هستند، در کمترین حجم بیشترین اطلاعات که چکیده و برآیند سال‌ها تفکر و مطالعه‌ی آن‌هاست، باز نمود یافته است و از این نظر کتاب پر مطلب شده است.

نکته‌ی دیگر این که مباحث متعدد در عین بسیط بودن در امتداد یک موضوع قرار گرفته‌اند و در برآیند کلی، موضوعی واحد یعنی تقابل سنت و مدرنیته را به نمایش می‌گذارند.

مجموعه‌ی این ویژگی‌ها کتاب را بدون اغراق بسیار فراتر و پر مطلب‌تر از حجم و قطع آن قرار داده است. بسیاری از مباحثی که در گفتگوها مطرح شده‌اند، مقولات بسیار فراخ‌دامنی هستند که در ذهن خواننده پرسش‌های دیگری ایجاد می‌کنند و به تنهایی می‌توانند موضوع انبوهی کتاب‌ها و گفتگوها شوند.

از دیگر ویژگی‌های گفت‌وگوها حرکت در مسیر تاریخی است. یعنی در هر گفت‌وگو سیر تحول مدرنیستی یک موضوع از نخستین نمونه‌ها و اولین گام‌های مدرن شدن آغاز می‌شود تا به دوران معاصر امتداد می‌یابد. از این نظر دوره‌ی زمانی گفت‌وگوها از دوره‌ی قاجار و گاهی اوقات صفویه تا انقلاب اسلامی است. با اندکی اغماص این چهار دوره‌ی زمانی را می‌توان در گفت‌وگوها دنبال کرد: ۱- از مشروطه تا رضاپهلوی، ۲- رضاپهلوی، ۳- محمدرضاپهلوی، ۴- انقلاب اسلامی. البته دوران سوم خود به دو دوره‌ی جداگانه: یکی دهه‌ی ۱۳۲۰ (از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲) و دوم از کودتای ۱۳۳۲ تا

انقلاب اسلامی تقسیم می‌شود.

ویژگی دیگر کتاب حفظ حجم گفت‌وگوها در اندازه‌های متعارف و مناسب با حوصله‌ی خواننده و متناسب با حجم کتاب و گفت‌وگوهای دیگر است، به گونه‌ای که ضمن جلوگیری از اطباب گفت‌وگو، حق مطلب از نظر جامعیت ادا شده است.

بنابراین در گفت‌وگوهای کتاب، بخشی از تاریخ مدرنیسم در ایران در قالب جریان‌های مختلف فکری و هنری و ادبی در بستر تحولات اجتماعی و تاریخی، از نقطه‌ی شروع تا جایگاه امروز تحلیل شده و سیر تحولات و فراز و فرود هر جریان با ذکر آثار شاخص و مشاهیر هر حوزه به بحث گذاشته شده است.

نکات دیگری درباره‌ی کتاب:

گفت‌وگوها از ساختار یکسان و یکدستی برخوردار نیستند و تسلط یا عدم احاطه‌ی گفت‌وگو کننده به موضوع تخصصی در برخی از گفت‌وگوها بر کیفیت کار اثر گذاشته است. به عنوان مثال در برخی از گفت‌وگوها پرسش‌ها بسیار کوتاه و اساساً فاقد اطلاعات است. اما در برخی دیگر سؤال‌ها بسیار پر مطلب و خود حاوی اطلاعاتی است که نشانگر احاطه‌ی پرسشگر به موضوع است.

از منظر ارزیابی کلی و تطبیقی، باید گفت برخی گفت‌وگوها در عین اختصار، آگاهی کاملی از موضوع به دست می‌دهند، اما معدودی دیگر یا بسیار کلی به موضوع پرداخته‌اند و یا در حد مدخلی به بحث هستند.

برخی گفت‌وگوها به مباحثه و مجادله نزدیک می‌شود و هر دو طرف وارد بحث می‌شوند، اما در معدودی دیگر این رابطه یک سویه است، یعنی گفت‌وگو شونده در برابر پرسش‌های کوتاه و ساده، متکلم وحده می‌شود.

اما هر چه هست، جهان‌نگو با آگاهی عمیق از تاریخ و مفهوم و سازوکار مدرنیته در ایران، چند نمونه از مظاهر شاخص آن را برگزیده و متخصصان و صاحب‌نظران به بحث گذاشته است تا سیر تاریخ مدرنیته را در ایران و در تقابل با سنت نشان دهد.

برخی گفت‌وگوها واقعاً تحلیل‌های بدیعی از تاریخ و تحولات اجتماعی و فرهنگی ایران به دست می‌دهند مانند موضوع مدرنیسم و شهرنشینی، یا تأثیر مهاجرت بر مدرنیسم. اما برخی دیگر اگرچه سخن جدیدی ندارند مانند تاریخ‌نگاری مدرن و آموزش و پرورش مدرن؛ اما چون از منظری تاریخی و به عنوان بخشی از جریان مدرنیسم به آن‌ها نگریسته می‌شود، به شکل‌گیری تصویر کاملی از مفهوم و جریان مدرنیسم در ذهن خواننده یاری می‌رسانند.

ماحصل اکثر گفت‌وگوها این است که مدرنیته در عرصه‌های مختلف فکری، هنری، ادبی، اجتماعی، سیاسی، و نمودهای گوناگون آن، آن‌چه را که آسمانی بود، به زمین فرود آورد و از حیصله‌ی محدود قدرت



ترجمه و چاپ و نشر کتاب، نقاشی، سینما، موسیقی، تئاتر، شعر و ادبیات پرداخته‌اند. ویژگی شاخص کتاب همین نکته است که تقریباً به جز یکی دو مورد، بقیه‌ی گفتگوها با پژوهشگران متخصص هر حوزه در باب موضوع تخصصی آن‌ها انجام شده است، لذا چکیده‌ی سال‌ها مطالعه و تحقیق آن‌ها و جدیدترین یافته‌هایشان در این گفت‌وگوها تبلور یافته است.

کتاب با مقدمه‌ای مختصر در خصوص مفهوم مدرنیسم و سیمای مدرنیسم در ایران آغاز می‌شود که در آن ضمن بررسی سیر تاریخی مدرنیسم در ایران، مشخصات مدرنیته در ایران و علل و عوامل بازماندن در میانه‌ی راه را به بحث می‌گذارد. مقدمه، در واقع چکیده‌ی اندیشه‌های جهاننگلو در مورد مدرنیته است.

در مورد مدرنیسم در ایران، جهاننگلو معتقد است: رویارویی ایران با دستاوردهای جهان مدرن، همواره به دو صورت قهرآمیز و تراژیک، و تقلیدی و مضحک صورت گرفته است. او بر این باور است که ایران امروز حاصل ۱۵۰ سال نزاع پیوسته میان سنت و مدرنیته است، اما نتیجه‌ی این نزاع تاکنون به شکلی قطعی روشن نشده است و ایران در نیمه‌ی راه مدرنیسم بازمانده است زیرا: «انسان ایرانی‌ای که امروزه حاصل ارزش‌ها و جهان‌بینی تمدن ایرانی است، نه انسانی است کاملاً سنتی و نه مطلقاً مدرن. نگاه او از یک سو به جهان مدرن است و از سوی دیگر به دنیای سنت. از این جهت نه به دنیای سنت تعلق دارد و نه به مدرنیته. می‌کوشد تا مدرن باشد زیرا می‌خواهد فرزند زمان خود

خارج و در میان عامه‌ی مردم رواج داد. یکی از مهم‌ترین رویدادهایی که این جریان را پدید آورد، انقلاب مشروطه بود. حادثه‌ای که خود نقطه‌ی عطف و نماد کاملی از مدرنیته است. نفوذ مدرنیسم که نخستین بارقه‌های آن از دوران صفویه ظهور کرد و با وقفه‌ای حدوداً ۷۰ ساله بار دیگر از دوره‌ی قاجار و به ویژه از زمان عباس‌میرزا شتاب گرفت و در دوره‌ی ناصری نشانه‌های مشخصی از خود بروز داد، با انقلاب مشروطه، ایران را در شرایط کاملاً متفاوتی قرار داد. از آن پس تقابل میان سنت و مدرنیته در تمام لایه‌های زندگی اجتماعی رسوخ کرد و عموم مردم در تمام سطوح تحت تأثیر مدرنیسم قرار گرفتند.

با این تعبیر باید گفت مردم‌شناسی نیز به عنوان یک شاخه‌ی دانش در ایران زاینده‌ی ظهور مدرنیسم است، چرا که نخستین پیشگامان فرهنگ عامه از جمله صادق هدایت و جمال‌زاده، از پیشروان زمینی کردن ادبیات و هنر و دانش بودند. به زبان عامه مردم سخن گفتند و به توده‌ی مردم توجه کردند. با چنین دگردیسی حیات اجتماعی است که مردم‌شناسی به عنوان یک دانش غربی در ایران آغاز می‌شود.

رامین جهاننگلو که از نویسندگان حوزه‌ی مدرنیسم و تجدد در ایران شناخته می‌شود، در این کتاب جریان مدرنیته‌ی ایران و خاستگاه‌ها و بن‌مایه‌های آن را در گفت‌وگو با ۱۶ تن از پژوهشگران ایرانی و فرانسوی به بحث گذاشته است. گفتگو شوندگان در حوزه‌ی تخصصی خود به یکی از صورت‌های مدرنیته که برخی از آن‌ها حتی مظهر مدرنیسم شناخته می‌شوند مانند اندیشه‌ی ناسیونالیسم، معماری، مطبوعات،

ناسیونالیسم ایرانی... بدین گونه ما با وجدانی رو در روییم که میان سنت و مدرنیته دوپاره شده است: سنتی که گرفتار ابهام شده است و دیگر قابلیت اجرا ندارد و مدرنیته‌ای که هنوز مدرن نیست، یعنی در ساختار روانی فرد و جامعه، درونی و نهادی نشده است و حضور آن را صرفاً در اشکال مختلف مُد و فنون حس می‌کنیم نه در سطح تفکر تعقل. حال این وجدان سنتی ایرانی است در برابر جریان جهانی شدن امور».

جهانبگلو چاره‌ی کار را در شرایط کنونی بازگشت انتقادی به خویش می‌داند و برای این کار وظیفه‌ی روشنفکر را تلاش پیوسته برای انتشار «معرفت» اعلام می‌کند، نه فقط برای آن که هم‌رنگ جهان باشیم، بلکه برای آن که بتوانیم از نو شیوه‌ی تفکر و نحوه‌ی بودنمان را در انطباق آن با عقلانیت مدرن ببینیم و پالوده سازیم زیرا ما امروز محکوم به آن هستیم که به سرنوشت خود در پرتو مدرنیته بیندیشیم و به مدرنیته نیز به عنوان سرنوشت محتوم خود بنگریم.

بخشی از مقدمه، نگاه سریعی است به سیر مدرنیته در ایران؛ مسیری که اگرچه پیشینه‌ی آن با اندکی تسامح به ورود اروپائیان به ایران در عصر صفوی بازمی‌گردد، اما نقطه‌ی صفر آن جنگ‌های ایران و روسیه و دو معاهده‌ی تحقیرآمیز گلستان و ترکمانچای در عصر قاجار و سلطنت فتحعلی‌شاه است. پس از آن به تحولات مدرنیستی به اختصار اشاره شده است که از آن جمله: استخدام مستشاران نظامی توسط عباس‌میرزا، اخذ فنون مدرن، تأسیس کارخانجات جدید و چاپخانه، اعزام محصلان ایرانی به فرنگ، اصلاحات امیرکبیر، تأسیس دارالفنون، ایجاد مدارس جدید، انتشار روزنامه، ورود عکاسی، سفر شاه به اروپا، ورود سینما، اخذ الگوهای نقاشی و معماری، گسترش آثار و اندیشه‌های سیاسی جدید و ظهور روشنفکرانی مانند میرزا حکیم خان، طالبوف، آخوندزاده و میرزا آقاخان کرمانی، انقلاب مشروطه، مدرن‌سازی عصر رضاخان تا امروز.

گفت‌گوها:

۱. گفت‌گو با نادر انتخابی (دکترای علوم سیاسی) درباره‌ی مراحل و نحوه‌ی تکوین اندیشه‌ی ناسیونالیسم در میان ایرانیان و بازخوانی آثار و باورهای پیشگامان این جریان.

نادر انتخابی جریان ناسیونالیسم ایرانی را در دو مقطع قبل و بعد از مشروطه بررسی می‌کند و عواملی چون رشد وسایل ارتباطی، ایران‌شناسی اروپاییان، آشنایی با اهمیت دوران پیش از اسلام که موجب جدایی ایران از اسلامیت و رشد ایدئولوژی مبنی بر اصالت تمدن آریایی شد، اندیشه‌ی ناسیونالیسم قبل از مشروطه نام می‌برد. سپس نقش بسیار مؤثر ایدئولوژی رسمی رژیم رضاخان و محافل روشنفکرانه‌ی آن دوران از جمله نشریات «کاوه» (سیدحسن تقی‌زاده)، «ایرانشهر» (کاظم‌زاده ایرانشهر)، «فرنگستان» و «آینده» (محمود افشار) را بررسی

باشد، ولی در عین حال فردی سنتی است و به هنجارها و معیارهای سنتی خود پایبند است. از نسل جوان خود می‌خواهد مسئول و مستقل باشد ولی خود از استقلال و مسئولیت آن‌ها جلوگیری می‌کند؛ آزادی و انتخاب را شعار و سرمشق قرار می‌دهد ولی از آزاد بودن و انتخاب کردن هراسان است. پیوسته به دنبال مدرنیته است امام مدام در نیمه‌ی راه آن متوقف می‌شود. از فهم کامل سنت در عذاب است و از پذیرش مطلق مدرنیته ناتوان».

جهانبگلو در مقدمه‌ی کتاب، مدرنیته را فرآیندی اجتناب‌ناپذیر و پدیده‌ای جهان‌شمول می‌داند که اکنون تمام جهان را فراگرفته است؛ زیرا به نظر وی هر جامعه از لحظه‌ای که سنت‌ها را به منزله‌ی یک مدل در زندگی روزمره‌ی خود نمی‌پذیرد، جنبش مدرنیته در ضمیر و تفکرش راه می‌یابد. او مدرنیته را جست‌وجوی دائمی عقلانیت، خود مختاری سیاسی و حاکمیت فرد می‌داند و در مورد مفهوم مدرنیته می‌نویسد:

«مدرنیته به معنای آگاهی از شروع دورانی تازه است. این دوران در قدرت عقل متجلی می‌شود. قدرتی که به حاکمیت فرد عامل (سوژه) می‌انجامد که سرور طبیعت و تاریخ و عامل شدن خویش است. پس مدرنیته‌ی غربی ثمره‌ی جریان ویژه‌ای است که دو وجه عقل را به هم پیوند زده است: «عقل ابزاری» را با ظهور تکنولوژی و «عقل انتقادی» را که سر منشاء تمامی جست‌وجوهای تازه و امروزی است و برای رسیدن به آزادی فرد و خودمختاری فرد انجام گرفته‌اند».

جهانبگلو در مورد مشخصات مدرنیته در ایران می‌نویسد: «در ضمیر ایرانیان پایان قرن نوزدهم و نیمه‌ی نخست قرن بیستم، دو مفهوم «مدرنیته» و «مدرن‌سازی» غالباً مترادف مفاهیم «غربی»، «غربی‌سازی» و «غرب‌شدگی» (غرب‌زدگی) دانسته شده‌اند... سیمای ایرانی مدرنیته از نیمه دوم قرن نوزدهم با جریان‌های مختلف «عقلانی سازی» و «فردی‌سازی» خود را نشان داد و در قالب تغییر فنون و عادت‌ها نمود یافت... البته فرایند فردگرایی در ایران در مرحله‌ی نخست خود است و در نیمه‌ی راه ناتمام مانده است. در حالی که در غرب با سه بعد فردگرایی سیاسی به معنی (حقوق فردی و خودمختاری فرد)، فردگرایی اقتصادی و فردگرایی اخلاقی (به معنی مسئول بودن فرد در قبال فرد دیگر و جامعه و اخلاق مدنی) روبه‌رو هستیم، به عکس در ایران فردگرایی نه در مقام نهاد اصلی و بنیادین جامعه بلکه به معنای رفتار و شیوه‌ای خودخواهانه و غیر مسئولانه فهمیده شده و به اجرا درآمده است...» «رابطه‌ی وجدان سنتی ایرانی، که تفکر دینی در تکوین آن نقشی ذاتی داشته است، با مدرنیته همواره رابطه‌ای از بیرون بوده است و در عوض آن که به نوعی سازگاری و اندامی و جوهری با روح مدرن بینجامد، بیشتر یک سلسله هم‌نشینی‌های غیر طبیعی و متناقض بوده است. بنابراین جای تعجب نیست جامعه‌ی ایرانی معاصر، خود را میان سه فرهنگ متضاد گرفتار می‌بیند: غرب مدرن، اسلام شیعه و



تخریب و ابعاد تهران تغییر کرد اما این تغییر موجب تحول جامعه نشد، بلکه مدرن شدن از منظر زندگی شهری در ایران از دوره رضاخان، سال‌های دهه‌ی ۱۳۱۰ ش. آغاز شد. او نوسازی شهری تهران را در دوره‌ی محمدرضاپهلوی از عوامل بروز انقلاب اسلامی می‌داند چرا که محمدرضاپهلوی کاخ سلطنتی را که پدرش در مرکز شهر و در کنار بازار و مسجد مستقر کرده بود، به خارج از شهر (سعدآباد و نیاوران) منتقل کرد و این نمادی برای فاصله گرفتن او از مردم بود. ادامه‌ی این روند، شکاف میان شمال و جنوب شهر را افزایش داد. در حالی که انقلاب اسلامی سه رکن سنتی شهر یعنی مسجد، بازار و دولت (ارگ حکومتی) را دوباره به هم گره زد. به نظر اورکاد، انقلاب اسلامی، انقلابی شهری بود نه روستایی. تهران بر تقابل شمال جنوب بنا شده بود و انقلاب اسلامی با تصرف محلات مرکزی، محور میدان آزادی امام حسین را بنا نهاد. بخشی از گفت‌وگوهای این بخش به وضعیت کنونی تهران، نوسازی شهر، تفاوت‌های شمال و جنوب، مسائل زندگی شهری مانند حمل‌ونقل، کار و مسکن اختصاص دارد.

۶. ششمین گفت‌وگو با محمدرضا مقتدر (معمار و محقق بخش ایران‌شناسی مرکز پژوهش‌های علمی در فرانسه) درباره‌ی تأثیر معماری اروپایی در ایران است.

در این گفت‌وگو از آغاز مدرنیته در معماری از دوره‌ی فتحعلی‌شاه، بنای دارالفنون و تربیت مهندسان معمار مدرن، مشخصات معماری برخی از بناهای شاخص مانند مسجد و مدرسه سپهسالار، صاحب قرآنیه، سلطنت‌آباد، عشرت آباد در دوره‌ی قاجار و بانک ملی، شهربانی، موزه‌ی ایران باستان در دوره‌ی پهلوی، استفاده از پلکان بسته در معماری مدرن، از بین رفتن اندرونی و بیرونی، به وجود آمدن سالن و پنجره‌های کلاسیک به جای ارسی، تقلید معماران از روی

می‌کند. او ویژگی ایدئولوژی ناسیونالیستی این عصر را غرب‌گرایی، دین‌زدایی و گرایش به تمرکز قدرت سیاسی و فرهنگی می‌داند.

۲. گفتگو با ویدا ناصحی - بهنام (دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه سوربن، استاد دانشگاه تهران و دانشگاه ناتر پاریس) در خصوص تأثیر مهاجرت بر مدرن شدن ایران.

در این گفتگو از امواج مهاجرت‌های روشنفکران، بازرگانان، سیاستمداران و دانشجویانی صحبت می‌شود که مهاجرتشان موجب انتقال مفاهیم و مظاهر مدرنیته به ایران شد. امواج مهاجرتی که در این گفتگو صحبت می‌شود عبارتند از: ۱. مهاجرت کارگران ایرانی به قفقاز پس از جنگ ایران و روسیه، ۲. مهاجرت بابی‌ها، ۳. مهاجرت نخبگان تبعیدی مانند طالبوف، میرزا آقاخان کرمانی، اسدآبادی و ملک‌خان و تأثیر آن‌ها در انقلاب مشروطه، ۴. مهاجران دوران استبداد صغیر مانند دهخدا، پورداد، قزوینی و نشریات ایرانشهر و کاوه، ۵. اعزام دانشجو از دوره‌ی رضاخان به اروپا که در دهه‌ی ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ در داخل منشاء مدرن‌سازی و در خارج عامل مبارزه‌ی سیاسی شدند، ۶. مهاجرت گسترده پس از انقلاب اسلامی که از سال ۱۳۵۸ آغاز شده است.

۳. گفتگو با یان ریشار Yann Richar (مورخ، مدیر مؤسسه‌ی مطالعات ایرانی دانشگاه پاریس و نویسنده‌ی کتاب‌های متعدد درباره‌ی ایران و اسلام شیعی) درباره‌ی تاریخ‌نگاری مدرن در ایران.

این بخش از معدود گفتگوهای کم‌مایه‌ی کتاب است که کلی‌گویی و اختصار مطالب باعث شده گفتگو از عمق کافی برخوردار نباشد. صرفاً اشاره‌هایی کلی به آغاز تاریخ‌نگاری نوین با میرزا آقاخان کرمانی، تأثیر اندیشه‌ی سوسیالیسم در تاریخ‌نگاری معاصر، ویژگی‌های آثار تاریخ‌نویسان برجسته مانند احمدکسروی، مشیرالدوله پیرنیا، فریدون آدمیت و تاریخ‌نگاری مارکسیستی شده است و درباره‌ی تاریخ‌نگاری دوره‌ی پهلوی به غلبه‌ی تئوری توطئه و تحقیر دوره‌ی قاجار اشاره شده است.

۴. چهارمین گفتگو با علی محمد کاردان (استاد علوم تربیتی دانشگاه تهران) در خصوص آموزش و پرورش مدرن در ایران است.

در این گفت‌وگو ضمن مروری بر تاریخچه‌ی مدارس جدید در ایران، از مدارس هیئت‌های تبلیغی (مسیونری)، دارالفنون، اقدامات حسن رشدیه در تأسیس مدارس نوین، اعزام محصل به خارج، تأسیس دانشگاه تهران، نظام آموزشی آمریکایی در دوره‌ی محمدرضاپهلوی و پس از انقلاب اسلامی سخن رفته است. همچنین تأثیر نظام آموزشی مدرن شده بر جریان مدرنیسم کشور ارزیابی شده است.

۵. موضوع پنجمین گفت‌وگو گسترش شهرنشینی در ایران معاصر با برنارد اورکاد (متخصص جغرافیا و مدیر پژوهشی مرکز ملی پژوهش‌های علمی فرانسه) است. به عقیده‌ی اورکاد اگرچه در دوره‌ی ناصرالدین‌شاه باروی شهر تهران که از دوران شاه طهماسب صفوی باقی مانده بود،

توسط کشیشان کارملیت و ارمنی‌ها؛ شروع مجدد چاپ در دوره‌ی قاجار، نخستین چاپخانه‌ها و اولین کتاب‌های چاپ شده در ایران؛ آغاز چاپ به شکل سربی اما ادامه به صورت سنگی به منظور حفظ شکل سنتی خط؛ نقش ترجمه در مدرنیته‌ی ایران؛ نخستین آثار ترجمه شده به فارسی در دوره‌ی قاجار؛ نحوه‌ی انتخاب کتاب‌ها برای ترجمه در دوره‌ی قاجار؛ اثربخش‌ترین کتاب‌های غربی ترجمه شده مانند «روش دکارت» با عنوان «حکمت ناصری؛ آشنایی با غرب از چهار طریق: استانبول، جمهوری آذربایجان، مصر و بمبئی؛ ساختار و ویژگی‌های ترجمه در عصر قاجار؛ وضعیت تألیف و ترجمه و نشر کتاب و محتوای آن‌ها در سه دوره‌ی: مشروطه، رضایپهلوی و محمدرضا پهلوی همراه با معرفی شاخص‌ترین کتاب‌های ترجمه و تألیف و منتشر شده در هر دوره؛ ویژگی‌های مترجمان و خاستگاه آن‌ها؛ سطحی بودن ترجمه‌های فلسفی (به عنوان مثال فراگیر بودن ترجمه‌ها در زمینه‌ی مکاتبی چون اگزیستانسیالیسم و مارکسیسم) و عدم توجه به مکاتب و اندیشه‌های پایه‌ای غربی؛ جایگاه مؤلف، مترجم و نویسنده در خلق یک اثر و تداخل یا تمایز نقش آن‌ها در ایران و غرب؛ تأثیر ترجمه بر روی واژگان و نثر و ساختار زبان فارسی؛ وضعیت نشر کتاب بعد از انقلاب اسلامی.

۹. نهمین گفت‌گو با رویین پاکباز (نقاش، منتقد هنری و نویسنده) درباره‌ی پیشگامان نقاشی مدرن در ایران است.

مباحثی که در این گفت‌وگو شهود مطرح شده و خط مدرنیته را در تقابل میان سبک‌های نوگرا با سنت‌گرا در نقاشی ایرانی دنبال می‌کند از این قرارند: آغاز آشنایی ایرانیان با نقاشی اروپایی در زمان صفویه که در اثری از کمال‌الدین بهزاد و نقاشی‌های ارامنه‌ی اصفهان و نقاشان اروپایی دربار صفویه نمود یافته است؛ تأثیر نقاشی ایتالیایی بر آثار محمدزمان خان، نقاش دربار شاه‌عباس دوم؛ رواج پرتره (چهره نگاری) به عنوان نشانه‌ی تأثیر نقاشی غربی بر نقاشی ایرانی؛ آثار صنایع‌الملک (ابوالحسن غفاری) ترکیبی از نقاشی ایرانی و غربی؛ آغاز نقاشی مدرن به سبک غربی با آثار کمال‌الملک (محمد غفاری)؛ اعزام هنرجویان نقاشی به اروپا در اواخر دهه‌ی ۱۳۲۰؛ جدال نوگرایان با سنت‌گرایان؛ بررسی سبک نقاشانی چون جلیل ضیاءپور، محمود جوادپور، جواد حمیدی، هوشنگ پزشک‌نیا؛ برپایی اولین نمایشگاه بی‌ینال (دوره‌ی سالانه) نقاشی در سال ۱۳۳۶؛ نقش پنج بی‌ینال (دوسالانه) در نقاشی ایران؛ تأثیر گالری آپادانا و «نجم خروس جنگی» در پیشبرد نقاشی معاصر؛ نوپردازی چون مارکو گریگوریان، محسن وزیرمقدم، بهمن محمصص؛ تقابل سبک‌های کهنه و نو برای رسیدن به یک ترکیب در دهه‌ی ۱۳۴۰؛ ویژگی‌های سبک «سقاخانه» در نقاشی سنت‌گرای معاصر؛ ویژگی‌های نقاشی مدرن سهراب سپهری و ابوالقاسم سعیدی که توصیف‌گر طبیعت با دیدی عرفانی بودند؛ جریان نقاشی بعد از انقلاب اسلامی.

کارت‌پستال‌های اروپایی، نوسازی معماری در دوران رضاخان با هدف احیای فرهنگ باستان و به‌کارگیری فناوری ساختمانی پیشرفته‌ی غرب، نقش باستان‌شناسان و معماران غربی مانند آندره گدار، ماکسیم سیرو و هرتسفلد، نقش دانشکده‌های هنرهای زیبای تهران که آندره گدار تأسیس کرده بود و در تربیت معماران و شهرسازان مدرن، معماری مدرن دوره‌ی محمدرضایپهلوی و پس از انقلاب اسلامی.

۷. موضوع هفتمین گفت‌وگو «مطبوعات و مدرنیته» با حسین بنی احمد (روزنامه‌نگار پر سابقه و سردبیر اسبق روزنامه‌ی اطلاعات و تهران ژورنال و مؤسس اطلاعات کودکان) است.

در این گفت‌وگو ضمن نگاهی به تاریخ مطبوعات ایران و فراز و نشیب‌های جریان روزنامه‌نگاری در بستر تحولات کشور، مهم‌ترین نشریاتی که در گسترش مدرنیته، به‌ویژه در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی نقش اساسی داشتند، به اختصار معرفی می‌شوند. مباحث دیگر این گفت‌گو از این قرار است: آغاز انتشار روزنامه در دوره‌ی قاجار، انتشار اولین روزنامه توسط میرزا صالح شیرازی (کاغذ اخبار)، نخستین نشریات دولتی مانند وقایع اتفاقیه، روزنامه ملتی، روزنامه علمیه، روزنامه‌های منادی مفاهیم مدرن چاپ خارج کشور در دوره‌ی قاجار مانند «اختر»، «قانون»، «حیل‌المتین»، «حکمت»، «ثریا»، «پرورش»، «ارشاد»، «عروه‌الوثقی»؛ نقش روزنامه‌ی «اختر» در قیام تنباکو و نهضت مشروطه؛ روزنامه‌های عصر مشروطه مانند «صور اسرافیل»، «حیل‌المتین»، «مساوات»، «روح‌القدس»، «سروش»؛ نقش نشریات «کاوه» و «ایران‌شهر» در تحولات مدرنیسم ایران؛ نقش مطبوعات در ایران بعد از جنگ جهانی اول تا شهریور ۱۳۲۰، نشریاتی مانند «دانشکده»، «ارمغان»، «نوبهار»، «فرهنگ»، «ادب»، «اقبال»، «فردوسی»، «زندگانی»، «امید ایران»، «آشفته»، «راهنمای زندگی»؛ وضعیت مطبوعات در دوره‌ی رضاشاه (سرکوب مطبوعات مخالف، حمایت از جراید موافق، نوآوری در انتشار مطبوعات، اداره‌ی سانسور شهربانی)؛ وضعیت مطبوعات در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۰ (حرفه‌ای شدن روزنامه‌نگاری، افزایش تعداد نشریات، آزادی مطبوعات در دوره‌ی مصدق، کنترل مطبوعات پس از کودتای ۲۸ مرداد)؛ نقش زنان در مطبوعات و جرایدی که توسط بانوان منتشر شد مانند «دانش»، «زبان زنان»، «نامه بانوان»، «عالم نسوان»، «جهان زنان»، «زن امروز...»؛ سانسور مطبوعات؛ نقش مطبوعات در انقلاب اسلامی، وضعیت مطبوعات در ایران بعد از انقلاب.

۸. گفت‌گو با کامران فانی (کارشناس ارشد کتابداری، کتابشناس و عضو شورای علمی کتابخانه ملی ایران) درباره‌ی ترجمه، چاپ و نشر کتاب در ایران، هشتمین گفت‌وگو شهود کتاب است که در آن ضمن مروری بر تاریخ چاپ و نشر در ایران، نقش آن در جریان مدرنیته‌ی ایرانی با این مباحث بررسی می‌شود: شروع ناکام چاپ در ایران عصر صفوی



۱۱. در یازدهمین گفتگو موضوع هنر سینما و تاریخچه‌ی آن در ایران از منظر مدرنیسم، با فرخ غفاری (متولد ۱۳۰۱ تهران، لیسانس ادبیات از فرانسه، مؤسس فیلم‌خانه‌ی ایران و کارگردان، مدیر جشن هنر شیراز و ساکن پاریس) به بحث گذاشته شده است.

در این گفت و شنود از این مسائل سخن رفته است: نخستین آشنایی مسافران ایرانی به فرنگ با سینما؛ رواج نمایش‌نامه‌های آخوندزاده و میرزا آقا تبریزی؛ تئاتر دارالفنون در زمان ناصرالدین‌شاه؛ آغاز فیلم‌برداری و سینما از زمان مظفرالدین‌شاه؛ تأسیس نخستین سالن سینما توسط میرزا ابراهیم صحاف‌باشی در سال ۱۳۲۲ ه. ق. در تهران؛ تأسیس سالن‌های بعدی سینما توسط روسی‌خان در سال‌های ۱۳۲۵ و ۱۳۲۷ ه. ق. که مشتریانش بیشتر قزاق‌های روسی بودند؛ نخستین سینماگران: عکاس‌باشی، صحاف‌باشی روسی‌خان، آقایی روسی، اردشیرخان ارمنی (آرداشس باتمگریان)، معتضدی، اوهانیان، کوشان همه در روسیه یا اروپا تربیت شده بودند؛ نخستین سالن‌های سینما و اولین فیلم‌های آن‌ها اقشار و اشخاصی که بیننده‌ی آن‌ها بودند؛ نخستین فیلم‌هایی که ایرانیان ساختند؛ رکود و توقف فیلم‌سازی و سینما در زمان رضاشاه؛ نخستین فیلم ایرانی صامت به نام «دختر لر»، ساخته‌ی عبدالحسین سپنتا؛ رقابت فیلم‌های آمریکایی، فرانسوی، آلمانی و ایتالیایی در ایران اثر عبدالحسین سپنتا؛ ورود زنان به سالن‌های سینما برای تماشای فیلم از سال ۱۳۰۷؛ رونق فیلم‌سازی و سینما در دهه‌ی ۱۳۳۰؛ افتتاح کانون ملی فیلم در سال ۱۳۲۸؛ رکورد تولید فیلم‌های ایرانی در دهه‌ی

۱۰. ورود عکاسی به ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین نشانه‌های مدرنیته، موضوع نهمین گفت‌وگو است که با ایرج افشار صورت گرفته است. او پژوهشگر سرشناس ایرانی و صاحب صدها مقاله و کتاب در باب تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران و زبان و ادب فارسی است. مباحث این گفت‌وگو از این قرار است:

نقطه‌ی آغاز عکاسی روی کاغذ حساس از دوره ناصرالدین‌شاه قاجار؛ عکاسی ژول ریشار (ریشار خان) از محمد شاه؛ ترقی صنعت عکاسی در اثر علاقه و توجه ناصرالدین‌شاه به این هنر؛ عکاسی در میان رجال دربار و شاهزادگان قاجار، نقش شاهزاده ملک قاسم میرزا در پیشبرد عکاسی در ایران، رواج تدریجی عکاسی از یک کارگران قیمت و تجلی تا یک ضرورت و همه‌گیر برای شناسنامه و پاسپورت و گردآوری روزنامه‌ها (دروه‌ی اول از ناصرالدین‌شاه تا آغاز دوره‌ی رضاشاه و دوره‌ی دوم از رضاشاه به بعد).

با توجه به این که استاد ایرج افشار در زمینه‌ی تاریخ عکاسی و عکس‌های قدیمی صاحب آثاری هستند، این گفتگو بیشتر به سمت بررسی تاریخ عکاسی در ایران سوق یافته و وجه بررسی جنبه‌های مدرنیستی هنر عکاسی و تأثیر آن به عنوان یک پدیده‌ی جدید اروپایی بر جامعه و فرهنگ ایرانی و همچنین واکنش‌های لایه‌های مختلف جامعه از مردم عادی تا اشراف و از روشنفکران تا علما نسبت به این پدیده‌ی وارداتی کمرنگ و گذرا است. از این نظر باید گفت این گفت‌وگو در سطحی پایین‌تر نسبت به بقیه‌ی گفتگوها قرار دارد.

۱۳۳۰ و ۱۳۴۰؛ احیای مجدد سینمای ایران از سال ۱۳۴۸؛ غربی بودن تحصیلات فیلم‌سازان ایرانی؛ فروغ فرخزاد نخستین زن سینماگر ایران؛ تأثیر جشنواره‌های فیلم دهه‌ی ۱۳۵۰ در رونق سینمای ایران؛ سینمای ایران قبل از انقلاب؛ انتشار نخستین نشریات تخصصی سینمایی در دهه‌ی ۱۳۵۰؛ سینمای ایران پس از انقلاب.

۱۲. دوازدهمین گفت‌گو با ژان دورینگ (متخصص موسیقی آسیای صغیر و محقق و مدرس موسیقی قومی در موزه‌ی مردم‌شناسی پاریس) درباره‌ی تحولات موسیقی ایرانی تحت تأثیر موسیقی غربی است.

مباحث اصلی این گفت‌وگو و شنود از این قرار است: تجدد موسیقی ایرانی یعنی ورود هارمونی و نت‌نویسی به موسیقی ایرانی و تبدیل موسیقی عملی به علمی؛ آغاز نت‌نویسی برای موسیقی با فرانسویس لومر؛ مقاومت موسیقی‌دانان ایرانی در برابر نت‌نویسی؛ نقش کلنل علی‌نقی وزیری که موسیقی کلاسیک غربی را در آلمان آموخته بود در پیوند عناصر موسیقی غربی با موسیقی ایرانی و تدوین مبانی آموزش علمی موسیقی؛ تقابل موسیقی مدرن وزیری با موسیقی سنتی؛ عدم توفیق موسیقی مدرن و تلاش‌های وزیری در مقابل گرایش غالب به موسیقی سنتی؛ درویش خان و جریان دوم مدرن‌سازی موسیقی ایران با رواج موسیقی عامه و کنسرت‌های عمومی؛ جریان سوم مدرن‌سازی ایران با عالمانه و بین‌المللی شدن موسیقی توسط افرادی چون گریگوریان و مین‌باشیان؛ توفیق موسیقی مدرن در موسیقی فیلم؛ نقش رادیو و تلویزیون و تأسیس تالار رودکی و جشن هنر شیراز در دگرگونی موسیقی ایران.

۱۳. «تئاتر مدرن» عنوان گفت‌وگوی سیزدهم است با آربی اوانسیان (Arby Ovanessian) (کارگردان ارمنی تئاتر و سینما) درباره‌ی سیر تاریخی تئاتر مدرن در ایران.

مباحث این گفت‌وگو بدین شرح است: آشنایی غربی‌ها با تئاتر مذهبی ایران از عصر صفوی (به عنوان مثال سفرنامه ژان شاردن)؛ نخستین مترجمان تئاتر اروپایی؛ میرزا حبیب اصفهانی، اعتمادالسلطنه و آخوندزاده در دوره‌ی قاجار؛ نقش فرهنگی تفلیس در انتقال تئاتر مدرن غربی به ایران؛ آغاز تئاتر مدرن در ایران از اصفهان در میان ارمنیان جلفا در سال ۱۳۰۶ ه.ق؛ نقش تأثیر گذار اقلیت‌های مذهبی به ویژه ارمنه در انتقال و گسترش تئاتر مدرن؛ نخستین نمایشنامه‌ها و سبک و محتوای موضوع آن‌ها؛ مؤسسات تئاتری و معروف‌ترین نمایش‌های اواخر دوره‌ی قاجار و اوایل عصر پهلوی؛ ویژگی تئاتر «روحوضی» و تأثیر تئاتر مدرن در آن؛ ورود زنان برای تماشا و سپس بازیگری در تئاتر مدرن از دهه‌ی ۱۳۲۰؛ وضع تئاتر مدرن در دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰؛ معروف‌ترین هنرپیشه‌ها، مؤسسات، کارگردان‌ها، متن‌ها و نمایش‌ها در هر دوره‌ی حیات تئاتر مدرن؛ کنترل و سانسور دولت بر تئاترها؛ تأثیر تحصیلات غربی در نویسندگان و کارگردان‌ها و هنرپیشه‌های تئاتر

مدرن؛ آغاز آموزش رسمی تئاتر در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران از دهه‌ی ۱۳۳۰؛ فعالیت گروه‌های تئاتری خارجی در ایران از دهه‌ی ۱۳۴۰؛ مؤسسات و نهادهای آموزشی تئاتر مدرن؛ نشریات و مطبوعات حوزه‌ی تئاتر؛ دو جریان تئاتر مدرن از دهه‌ی ۱۳۴۰ به بعد: ۱- تئاتر غربی، ۲- تئاتر ایرانی؛ نقش «کارگاه تئاتر» در دهه‌ی ۱۳۵۰؛ رونق و گسترش چشم‌گیر تئاتر و سالن‌های نمایش در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی.

۱۴. «شعر مدرن» موضوع چهاردهمین گفت‌وگو با شمس لنگرودی (محمد تقی جواهری گیلانی مشهور به شمس لنگرودی)، نویسنده، شاعر و مؤلف آثاری در باب شعر امروز ایران است.

در این گفت‌وگو از این مباحث سخن رفته است: تأثیر شعر اروپایی در تحول شعر کهن فارسی به شعر نو؛ شعر اروپا سرچشمه و منشاء شعر نو؛ آشنا بودن نخستین شاعران نو پرداز با یکی از زبان‌های فرانسوی، روسی یا ترکی و ادبیات آن‌ها (مانند ابوالقاسم لاهوتی، تقی رفعت، جعفر خانم، خانم شمس کسمایی و نیما یوشیج)؛ تأثیر فرهنگ اروپایی بر شاعران نوپرداز؛ تأثیر فرهنگ و نگرش غربی در شعر نیما یوشیج و نقش مؤثر نیما در ظهور شعر مدرن فارسی؛ ارزیابی نقش میرزاده عشقی در شعر نو؛ بررسی شعر رمانتیک دهه‌ی ۱۳۲۰ در اشعار مدرن فریدون توکلی و پرویز ناتل خانلری؛ نقش ترجمه‌ی اشعار خارجی در رشد شعر معاصر ایران؛ تأثیر ادبیات اروپایی به ویژه فرانسوی در شاعران نوپرداز چون شاملو، ابتهاج، سهراب سپهری و نادر نادرپور؛ تغییر مضامین محتوا و درون‌مایه‌ی اشعار نوگرا از آسمان به زمین (یعنی خارج شدن شاعران از عالم درون و ورود به دنیای واقعی بیرونی تحت تأثیر شعر و ادبیات اروپایی)؛ سهم دو نشریه‌ی «خروس جنگی» و «جام‌جم» در سال‌های ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۰ در پیشبرد شعر نو؛ سرخوردگی ناشی از کودتای ۲۸ مرداد در اشعار دهه‌ی ۱۳۳۰ و ترجمه‌ی شعرهای نومیادانه البوت و بودلر، بررسی ویژگی‌ها و ساختار شعری و جایگاه و نقش شاعران نوپرداز شاخص معاصر: سهراب سپهری، احمد شاملو، فروغ فرخزاد و مهدی اخوان ثالث؛ نقش جریان «موج نو» در مدرن‌سازی شعر نو؛ ویژگی‌های شعر نو در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰؛ شعر نو پس از انقلاب اسلامی.

۱۵. در فصل پانزدهم، رامین جهاننگلو با آذر نفیسی (استاد سابق ادبیات انگلیسی دانشگاه تهران و ادبیات تطبیقی دانشگاه علامه طباطبایی و استاد کنونی مدرسه مطالعات پیشرفته بین‌المللی وابسته به دانشگاه جان هاپکینز) درباره‌ی رمان و رمان‌نویسی در ایران معاصر سخن می‌گوید.

مباحث اصلی این گفت‌وگو و شنود از این قرارند: آغاز رمان‌نویسی در ایران همزمان با ورود مدرنیته در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیست؛ عوامل مؤثر در آغاز رمان‌نویسی شامل آموزش و تربیت جدید، صنعت

در مورد تجدد و مدرنیسم به یکی از دغدغه‌های اصلی ذهن اندیشمندان علوم انسانی تبدیل شود. هرچند پیشینه‌ی تفکر و تألیف درباره‌ی مدرنیسم همزاد مدرنیسم در ایران بوده و بسیاری از آثار متفکران از مشروطه به بعد در محدوده‌ی تاریخ ادبیات مدرنیسم در ایران قرار می‌گیرند (از جمله آثار میرزا ملکم خان، فتحعلی آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی، احمد کسروی)؛ به همین دلیل در زمینه‌ی مدرنیسم آثار پرشماری در طول ۱۵۰ سال گذشته منتشر شده است.

۳- جهاننگلو در زمینه‌ی اندیشه‌های سیاسی، میانی دموکراسی، مدرنیسم، جامعه‌ی مدنی و مبارزه بدون خشونت و مباحث مرتبط آثار زیادی دارد. بخشی از آثار او به موضوع مدرنیسم اختصاص دارد که عبارتند از:

مدرن‌ها (نشر مرکز، چاپ اول ۱۳۷۶)؛ مدرنیته: دموکراسی و روشنفکران (نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۷۴)؛ نقد عقل مدرن نقد عقل مدرن: مصاحبه رامین جهاننگلو با ۲۰ [بیست] تن از صاحب‌نظران و فیلسوفان معاصر (نشر و پژوهش فرزانه روز، ج ۲، چاپ اول، ۱۳۷۶)؛ هگل و سیاست مدرن (شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۹)؛ موج چهارم (مقالات، سخنرانی‌ها و گفت‌وگوهای است با موضوعاتی چون مدرنیته و سنت، خشونت و تساهل و دموکراسی و گفت‌وگوی فرهنگ‌ها، مترجم: منصور گودرزی، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۱)؛ تمدن و تجدد (گفت‌وگو با جمشید بهنام، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۸۲)؛ جهانی بودن: پانزده گفت‌وگو با اندیشمندان امروز جهان (نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۸۲)؛ ایران در جستجوی مدرنیته: بیست گفت‌وگو در بی‌بی‌سی با صاحب‌نظران ایرانی (نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۸۴)؛ بین گذشته و آینده (نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۴).

علاوه بر کتاب‌های یادشده، ده‌ها مقاله و گفت‌وگو از او درباره‌ی مدرنیسم در نشریات و روزنامه‌های کشور به چاپ رسیده است.

۴- جهاننگلو، رامین: ایران و مدرنیته: گفت‌وگوهایی با پژوهشگران ایرانی و خارجی در زمینه رویارویی ایران با دستاوردهای جهان مدرن، ترجمه گفت‌وگوهای فرانسوی: حسین سامعی، تهران: قطره، چاپ اول، ص ۷-۸

۵- همان، ص ۱۰

۶- همان، مقدمه، ص ۱۰-۱۱

۷- همان، مقدمه، ص ۲۴-۲۵

۸- همان، مقدمه، ص ۲۵

چاپ، روزنامه‌نگاری، آشنایی روشنفکران با مغرب‌زمین، ترجمه‌ی آثار اروپایی؛ نخستین رمان‌های غربی که به فارسی ترجمه شدند، ویژگی‌های ادبی و ساختاری نخستین رمان فارسی (سه جلدی) به نام شمس و طغرا اثر محمدباقر میرزا خسروی، معرفی نخستین رمان نویسان پس از مشروطه تا سال ۱۳۰۹؛ اهمیت محمدعلی جمال‌زاده در رمان نویسی معاصر؛ بررسی آثار صادق هدایت و تأکید بر نقش پر اهمیت او در پیشبرد داستان نویسی مدرن ایران؛ تحلیل عناصر ساختاری و داستانی رمان بوف کور و ارزیابی جایگاه آن در رمان نویسی معاصر؛ موفقیت رمان نویسان ایرانی در پرتو آشنایی با ادبیات غربی از یک سو و ادبیات ایرانی از سوی دیگر؛ تأثیر مارکسیسم در داستان نویسی دهه‌ی ۱۳۲۰ با نگاهی به ویژگی‌های داستان نویسی؛ داستان‌های ترجمه شده و داستان‌نویسان برجسته‌ی این دوران؛ ارزیابی جایگاه داستان‌نویسانی چون بزرگ علوی، محمدعلی افغانی، به‌آذین، احمد محمود، دولت‌آبادی، صادق چوبک، ابراهیم گلستان، بهرام صادقی، صمد بهرنگی، جلال احمد در راستای بازشناسی کشاکش عناصر سنتی و مدرن در آثار آن‌ها؛ وضعیت زنان داستان‌نویس معاصر و آثارشان (سیمین دانشور، پارس‌پور، گلی ترقی)؛ داستان نویسی بعد از انقلاب، تحلیلی از پیشینه و وضعیت کنونی نقد ادبی.

۱۶. شانزدهمین گفت‌وگو درباره‌ی صادق هدایت به عنوان مشهورترین چهره‌ی روشنفکر مدرن ایرانی است. این گفت‌وگو با م. ف. فرزانه (نویسنده و سینماگر که هدایت را از نزدیک می‌شناخت، آثارش را بررسی کرده و درباره‌ی صادق هدایت آثاری تألیف نموده است).

در این گفت‌وگو از زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی که هدایت متأثر از آن‌ها بود، خصوصیات روحی و اخلاقی و فکری هدایت، ویژگی‌های آثارش، بررسی مسئله‌ی مرگ در آثار هدایت و نگرش او به مفهوم مرگ، بررسی آثار روشنفکران غربی که در آثار و اندیشه‌های هدایت تأثیر گذاشتند، تأثیر اگزیستانسیالیسم در افکار هدایت، علایق هدایت در زمینه‌ی موسیقی و تئاتر، احیاء و بازگشت هدایت در میان ایرانیان فرهیخته‌ی امروز سخن رفته است.

پاورقی:

۱- برای نقد و بررسی‌های دیگری از این کتاب نگاه کنید به: معصومه علی‌اکبری، روزنامه انتخاب، ۶ شهریور ۱۳۸۰، ص ۶؛ علی‌اصغر صلح، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، ش ۴۳، اردیبهشت ۱۳۸۰، ص ۴۰-۴۱؛ نامه فرهنگ، شماره ۴۳.

۲- مدرنیسم و تجدد موضوع بسیار بسیطی است که منشأ دیدگاه‌ها، اندیشه‌ها، مکاتب فکری، جریان‌های سیاسی و اجتماعی و هنری و...، پژوهش‌ها، تألیفات، و آثار گوناگون فکری و هنری بوده است. حضور پررنگ مظاهر مدرنیسم در زندگی ملموس مردم باعث شده اندیشیدن